

پیامدهای وصلت سنت و مدرنیسم

تأملاتی درباره سفره ایرانی



دکتر فریدین علیخواه
جامعه‌شناس

سفره در جامعه ایرانی از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار است. اگر نگوییم مقدس است، دست کم می‌توان گفت واجد ارزشی در خور توجه است. بخشی از ارزش سفره بابت نانی است که معمولاً روی آن قرار می‌گیرد که نماد برکت است. در فرهنگ ایرانی، سفره برای امور مهمی استفاده می‌شود که سفره عقد، سفره هفت‌سین، سفره شب یلدا و سفره‌های مختلف برای مراسم دینی از آن جمله‌اند.



اندازه سفره با ابعاد خانواده در جامعه ایرانی پیوند داشته است. هر چه به سمت گذشته‌های دورتر می‌رویم، تعداد اعضای خانواده بیشتر می‌شود و شکل سفره‌ها عموماً مستطیلی است. با کاهش بعد خانواده، سفره‌ها نیز کوچک‌تر شده و به تدریج از سفره‌های متری به سفره‌های مربعی تغییر یافته‌اند. باید توجه داشت که معمولاً مکان افراد در کنار سفره با جایگاه آنان در خانواده ارتباط داشته و هم‌اکنون هم در برخی خانواده‌ها این گونه است. در نظام اجتماعی مبتنی بر پدرسالاری، پدر خانواده در نقطه آغازین عرض سفره که بالای سفره نامیده می‌شود می‌نشیند و سایر اعضا در ۲ طرف آن باید جایگاه «نان آور» خانواده در سفره مشخص می‌شود. در این میان، معمولاً مادر خانواده از مکان سبالی برخوردار بود و این تا هنگامی ادامه می‌یافت که هنوز فرزندان خانواده ازدواج نکرده بودند. با ازدواج فرزندان و ورود عروس به خانواده، به تدریج مادر از امور آشپزی فاصله می‌گرفت و مکان ثابتی در کنار سفره می‌یافت.

خانه‌ای که سفره ندارد خانواده هم ندارد برخی معتقدند وجود سفره بیانگر وجود خانواده است. در واقع، خانه‌ای که سفره ندارد خانواده هم ندارد. شاید سایر وسایل خانه کمتر چنین وظیفه‌ای را بر دوش بکشند. البته منظور از سفره، جمع شدن

خانه‌ای که سفره ندارد خانواده هم ندارد برخی معتقدند وجود سفره بیانگر وجود خانواده است. در واقع، خانه‌ای که سفره ندارد خانواده هم ندارد. شاید سایر وسایل خانه کمتر چنین وظیفه‌ای را بر دوش بکشند. البته منظور از سفره، جمع شدن

در سال‌های اخیر، شتاب زندگی افزایش چشمگیری یافته است. این شتاب در وجه مختلف اجتماعی به شکلی خودش را نشان می‌دهد. اگر پهن کردن سفره روی میزناهار خوری را وصلت سنت و مدرنیسم قلمداد کنیم، پهن کردن سفره یکبارمصرف روی این میز بیانگر شتاب زندگی است. در کسری از ثانیه، سفره یکبارمصرف مجال می‌شود و با پسماندهای غذا در درون آن در سطل زباله قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که سفره‌های یکبارمصرف مناسک غذا خوردن را از اصالت دور می‌کنند. در واقع، ما با تصویری از سفره و نه با اصل آن روبه‌رو هستیم! سفره یکبارمصرف مدام پیغام

ارزش قبلی خود را از دست داده است. علاوه بر کمیت غذا خوردن با همدیگر، یعنی چند بار در هفته، باید از کیفیت آن نیز سخن گفت. گوشی‌های تلفن همراه روزبه‌روز از کیفیت با هم بودن و تعامل اجتماعی هنگام غذا خوردن می‌کاهد. در واقع، تمرکز حواس اعضای خانواده بر صفحه نمایش تلفن همراه هنگام صرف غذا یکی از دلایل تبدیل شدن خوردن غذا از امری اجتماعی به امری صرفاً زیستی است. معدتان را پر می‌کنید و بدون تشکر از کسی، خودتان را به اولین مکان دنج و بدون مزاحم برای تماشای صفحه تلفن همراه می‌رسانید. «این مطلب در صفحه شخصی ایشان منتشر شده است.»

تعیین در خوردن غذا را به دیگران مخابره می‌کند. امروزه با کاهش تعداد اعضای خانواده، انتقال بخشی از وظیفه تربیت کودکان به نهاد‌های اجتماعی، بزرگ شدن فرزند یا فرزندان، حضور زنان در محیط‌های شغلی و همچنین سپری کردن اوقات فراغت با دوستان هم‌سلیقه و هم‌فکر توسط هر عضو خانواده، خوردن غذا با همدیگر بیش از پیش دشوار شده است. در گذشته‌های نه‌چندان دور، اگر غذا خوردن با یکدیگر دشوار می‌شد، بهانه‌ای به نام تماشای سریال‌های تلویزیونی وجود داشت تا اعضا را دور هم جمع کند. امروزه این امر هم‌رنگ باخته است زیرا دستگاه تلویزیون

ایراندخت



گوه‌رشاد خاتون



حضور زنان در تاریخ و تحولات سیاسی اجتماعی دوره تیموریان درخور تأمل است. ثبات سیاسی در آن دوره باعث رشد و شکوفایی هنر و مشارکت زنان در اداره امور دربار هرات شد. گوه‌رشاد بانو یکی از زنان مؤثر و مهم تاریخ ایران در عصر تیموری محسوب می‌شود که منشأ خدمات زیادی بوده است. هرچند تاریخ تولدش به درستی معلوم نیست، بیشتر پژوهشگران حدود سال ۷۸۰ قمری را در این باب ذکر کرده‌اند. مؤلف مآثر الملوک او را از اشراف زنان خراسان، و صنیع الدوله از او به عنوان زنی باوقار، خردمند و ثروتمند یاد کرده است. پدرش امیرغیاث‌الدین ترخان، از امرای عهد تیموری، و مادرش بانو خان زاده بیگم است.

گوه‌رشاد خاتون در سال ۷۹۵ قمری با شاه‌رخ میرزا، فرزند امیر تیمور گورکانی، ازدواج کرد که حاصل این وصلت ۲ پسر و ۲ دختر بود. پسرش، ابراهیم سلطان، ۲۵ سال حاکم شیراز بود و بایسنقر میرزا نیز در هنر خط ثلث سرآمد خطاطان روزگار خودش محسوب می‌شد. زندگی و حیات گوه‌رشاد خاتون را می‌توان در ۲ بعد مورد بررسی و واکاوی قرار داد. نخست اینکه او به عنوان زنی نیکوکار و واقف که دوران حیاتش منشأ امور خیر بوده است در تاریخ ماندگار شد. در حوزه سیاسی و مشارکت در امور کشور نیز جای پای او دیده می‌شود. این بانوی نیکوکار در طول حیاتش باعث ایجاد بناهای ارزشمندی شده است از جمله مسجد جامع این بانوی نیکوکار در طول حیاتش باعث ایجاد مساجد مهم و مشهور ایران، که گواهی تجلی هنر و معماری اسلامی در دوره تیموریان است. بنای این مسجد توسط قوام‌الدین شیرازی، از معماران برجسته عصر تیموری، در سال ۸۱۸ قمری در مجاورت حرم مطهر رضوی شروع شده و در سال ۸۱۲ قمری به پایان رسیده است. قوام‌الدین شیرازی علاوه بر بنای مسجد جامع گوه‌رشاد مشهد، به دستنور گوه‌رشاد بانو، بناهای دیگری همچون مدرسه گوه‌رشاد در هرات، مدرسه غیاثیه خرگرد، مسجد گوه‌رشاد در هرات و مدرسه و خانقاه شاه‌رخ در هرات را نیز ساخته است. گوه‌رشادآغا در سال ۸۲۹ قمری پس از اتمام بنای مسجد گوه‌رشاد، املاک در ولایت توس و جام‌وقف این مسجد کرد که بخشی از آن ۶۱ دکان، مزرعه سعیدآباد، مزرعه سرده و مزرعه قوزغان است. نوع مصرف این موقوفات نیز در جهت رفق و فتق امور مربوط به مسجد و زوار مرقد مقدس رضوی ذکر شده است.

حضور گوه‌رشاد بانو در صحنه سیاست دوران شاه‌رخ و پس از آن و دخالت در امور سیاسی باعث شد برخی اتفاقات تلخ و شیرین در آن ایام به وجود آید. او از نفوذ خود حتی برای شفاعت خطاکاران نیز استفاده می‌کرد. سرانجام گوه‌رشاد در نهم رمضان سال ۸۶۱ قمری در هشتادویک‌سالگی، بر اثر وسوسه جمعی به فرمان میرزا سلطان ابوسعید بن سلطان محمد بن میرانشاه بن امیر تیمور، در هرات به قتل رسید و در مدرسه گوه‌رشاد هرات در کنار مزار همسرش به خاک سپرده شد. همان گونه که غیاث‌الدین خواندمیر در کتاب حبیب‌السییر نوشته است، قتل گوه‌رشاد لکه سیاهی بر صفحه درخشان سلطنت ابوسعید بود اما آنچه باعث شده نام گوه‌رشاد خاتون پس از قرن‌ها هم‌چنان جاودان بماند، کارهای نیک و دستگیری او از ضعیفان و درماندگان بوده است.

چهارشنبه ۱۸ تیر مراسم معرفی بانوان کارآفرین برتر کشوری و تقدیر از آنان بر اساس آرای مردمی به صورت مجازی در ۱۴ استان کشور و با حضور معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده برگزار شد. در این دوره، از استان خراسان رضوی فاطمه علمداری فعال در صنعت فولاد به عنوان کارآفرین برتر برگزیده شد.

شهربانو

بنای برتر کارآفرین خراسان

چهارشنبه ۱۸ تیر مراسم معرفی بانوان کارآفرین برتر کشوری و تقدیر از آنان بر اساس آرای مردمی به صورت مجازی در ۱۴ استان کشور و با حضور معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده برگزار شد. در این دوره، از استان خراسان رضوی فاطمه علمداری فعال در صنعت فولاد به عنوان کارآفرین برتر برگزیده شد.

در سال‌های اخیر، شتاب زندگی افزایش چشمگیری یافته است. این شتاب در وجه مختلف اجتماعی به شکلی خودش را نشان می‌دهد. اگر پهن کردن سفره روی میزناهار خوری را وصلت سنت و مدرنیسم قلمداد کنیم، پهن کردن سفره یکبارمصرف روی این میز بیانگر شتاب زندگی است.

فریدون عزم را جزم کرد تا به جنگ با ضحاک رود. مادر او را منع کرد و از خطرات پیش رو گفت اما:

چنین داد پاسخ به مادر که شیر نگرده مگر ز آزمایش دلیر فرانک دل به دل فرزند داد و او را به خدای نگهبان سپرد. تقدیر این چنین رقم خورد که خیر بر سر پیروز گردید و فریدون به کمک کاوه آهنگر بر ضحاک پیروز شد و این چنین فرزند فرانک بر تخت شاهی نشست. فرانک تا مدت‌ها از پادشاهی فرزند خبر نداشت. وقتی این خبر را شنید:

نمایش کنان شد سر و تن بیست به پیش جهان داور آمد نخست به شکرانه این نعمت بزرگ، به مستمندان و نیازمندان کمک‌های فراوان کرد و میهمانی در خور پادشاهی فرزند گرفت و بزرگان را دعوت کرد. سپس عزم دیار فرزند کرد. فرانک هر چه از جوشن و درم و اسب تازی و... داشت برای پیش کشی به نزد فرزند برد.

چون خواسته دید شاه زمین پذیرفت و بر مام کرد آفرین آری، این چنین زنانی مردان نام‌آور شاهنامه را با جان و دل پروردند تا از فرزندانشان به نیکی یاد شود.

از نژاد کیانیان شاهنامه است که قربانی ضحاک و مارانش می‌شود. فرانک را فرزند ی بود به نام فریدون. جهانجوی با فرّ جمشید بود به کردار تابنده خورشید بود در پی تعبیر خوابی که ضحاک دیده بود، سپاه او به دنبال طفلان و کشتن آنان می‌گشتند زیرا خواب‌گزاران چنین تعبیر کرده بودند که جوانی خواهد آمد که او را در بند می‌کشاند.

خرمند مام فریدون چو دید که بر جفت او بر چنان بدرسید از ترس ضحاک فرزند را در مرغزاری به دست نگهبانی سپرد تا به فرزند گزندی نرسد. مادر به نگهبان سپرد فرزندش را از شیر گاوی که برمایه نام داشت تغذیه کند. دیری نگذشت که دل فرانک تاب نیاورد. ترس از ضحاک وی را برآن داشت تا فرزند را جای دیگر پنهان کند. فریدون را به دامنه کوه البرز برد و به پیری نیکوسرشت سپرد. فریدون زیر نظر پیر پرورش یافت و شانزده‌ساله شد. به سراغ مادر آمد. از او نام و نشان پدر خواست. فرانک همچون دیگر زنان وفادار شاهنامه، شوی خود را به نیکی ستود و سرگذشتی را که بر همسرش رفته بود برای فرزند بازگو کرد.

فریدون برآشفتم و بگشاد گوش ز گفتار مادر برآمد به جوش

روان کاوانه آن همواره مورد مناقشه بوده است. بعد از واکاوی این مفهوم و بررسی زاوایای مختلف آن، کتاب وارد مباحثی می‌شود که به نظر می‌رسد با عشق و مفهوم دوست داشتن بی‌ارتباط نیست: ازدواج، طلاق، چندهمسری، ازدواج موفق، ازدواج مجدد، ازدواج اجباری، و مقولات مهم و همه‌گیر خیانت. در فصول بعدی نیز مباحث متنوعی طرح شده است: زن و خانواده، زن و مادری، زن و عوارض اجتماعی و روانی و حقوقی طلاق، چیزیه، مهریه، اعتیاد، خودکشی، و خشونت علیه زنان. در آخرین فصل کتاب، نویسنده‌گان به سراغ بررسی لویح قانونی مربوط به ازدواج و طلاق و قوانین حمایت از خانواده می‌روند. «زن در اجتماع» از آن نظر که نگاهی کلی به همه مسائل زنان دارد و نیم‌نگاهی هم به مقایسه وضعیت زنان ایران با زنان جهان، کتاب درخور توجهی است اما در هر بخش از این کتاب و در هر موضوعی، می‌توان به کتاب‌های تخصصی‌ای که متخصصان و پژوهشگران همان حوزه نوشته‌اند رجوع کرد. البته در کمال تأسف، باید بگوییم عموماً

فریدون برآشفتم و بگشاد گوش ز گفتار مادر برآمد به جوش

شهرزاد

نقیسه زمانی
کارشناس ارشد پژوهش هنر

فرانک، مام فریدون

شاهنامه فردوسی حماسه‌سرایایی مردمان نیک‌خو و پاک سرشت است. درگیری خیر و شر و در نهایت پیروزی بر پلیدی‌ها به دست مردان و زنان نیکوسرشت رقم می‌خورد. نام مردان پهلوان شاهنامه کم و بیش شهره ایران زمین و مردمانش است. اما نام زنان دلیر شاهنامه کم‌رنگ مانده، و سنز او از است دوباره نامشان زنده شود تا زنان این خاک به بز بن‌نشان افتخار کنند. اینک داستان فرانک.

سرنوشت فرانک در همان فصل‌های اول شاهنامه رقم می‌خورد، آنجا که ضحاک ماربه‌دوش بر جمشید، شاه ایران زمین، چیره می‌گردد و تاج و تخت را از او می‌گیرد. ضحاک مغز جوانان را برای خورش ماران روی شانه‌اش می‌خواهد و جان جوانان را می‌گیرد. آئین، همسر فرانک،

نقش زن در اجتماع

نیم‌نگاهی به زندگی اجتماعی زنان در ایران

متأسفانه جست‌وجویی فایده‌است! شاید این جمله برای شروع یک مطلب معرفی کتاب کمی عجیب باشد، ولی چاره‌ای نیست. باید بگوییم متأسفانه جست‌وجویی فایده‌است! جست‌وجو در میان صدها هزار کتاب نوشته شده درباره زنان، هر چه بیشتر ما را به این نقطه می‌رساند که آثار زبان فارسی تا چه میزان کم، معمولی و فاقد ارجاعات درست فرهنگی و اجتماعی است. با این همه، بعضاً کتاب‌های خوبی می‌توان یافت که از فضای روزگار، آن‌چنان که باید دیده و خوانده نشده‌اند. خوشبختیم که در این شماره می‌توانیم یکی از آن آثار را به شما معرفی کنیم، اگرچه ارزیابی و نقد این کتاب زمان و حوصله بیشتری می‌طلبد. کتاب «زن در اجتماع» به قلم دکتر ماهیار آذر و دکتر سیما نوحی است. به نظر می‌رسد آن‌ها کتاب‌های مشترک زیادی در حوزه تخصصی خود تدوین و تألیف کرده‌اند و آثار امروز را نتوانیم محصول دغدغه این ۲ روان‌شناس در حوزه تخصصی زنان دانست، زیرا مفاهیم مندرج در کتاب پیش از آنکه علمی و در حوزه پزشکی باشد، از منظر اجتماعی و روان‌شناسی و حقوقی نوشته شده است. کتاب ۱۰ فصل دارد با تیتربهای روشن و مشخص. شروع کتاب و فصل اول بسیار خواندنی و جذاب است و ابتکار جالبی است که در چنین فصل‌ها فصل نخست را به عشق اختصاص داده‌اند. عشق و سیر تحول تاریخی آن، شقی و مفهوم فلسفی

جست‌وجویی فایده‌است و یافتن آثار عمیق که مسائل معاصر زنان ایران را واقع‌گرایانه و با تکیه بر پژوهش‌های میدانی بررسی و تحلیل کرده باشند شبیه یافتن سوزن در انبار کاه است.

شهرزاد

شهرزاد

۲۳ شهریور ۱۳۹۹
۲۱ دی‌ماه ۱۴۴۱ شماره ۲۱۰

زن در اجتماع
نویسنده: دکتر ماهیار آذر - دکتر سیما نوحی
انتشارات: ارجمند

